

فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۴، شماره ۵۲، تابستان ۱۴۰۱، صص ۱-۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۷

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.1949359.2404](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1949359.2404)

بررسی آئین‌های مذهبی شیعه و عوامل مؤثر بر گسترش آن در عصر صفویه با تکیه بر

شعر صائب تبریزی

مریم آسرای^۱، دکتر ایرج مهرکی^۲، دکتر آذر دانشگر^۳

چکیده

حکومت صفویه توانست با رسمی کردن مذهب شیعه و ایجاد زمینه‌های مساعد اجتماعی و فرهنگی در قلمرو خویش، هویتی مستقل برای خود ایجاد کند که نقش قابل توجهی در گسترش تشیع و آئین‌های مذهبی شیعه داشت. پادشاهان صفوی برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود به حفظ ظواهر شرع و انجام آئین‌ها و مراسم مذهبی پرداختند و مردم نیز از این روش پیروی می‌کردند. در این دوره شیعیان فرصت یافتند آزادانه و به دور از بیم مخالفان، به برگزاری آئین‌های مذهبی شیعه اقدام کنند. این باورها و آئین‌ها در دیوان صائب که بزرگترین شاعر عصر صفوی است به خوبی انعکاس یافته است. صائب تحت تأثیر آئین‌ها و باورهای شیعی زمان خود، ابیات زیادی را به موضوع آئین‌های مذهبی شیعه در قالب گذار و تقویت اختصاص داده است. در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی نگاشته می‌شود، به بررسی نمود انواع آئین‌های مذهبی شیعه در عصر صفوی در شعر صائب پرداخته خواهد شد و بازتاب آئین‌های مذهب تشیع را با توجه به تقسیم‌بندی آئین‌های مذهبی در انسان‌شناسی فرهنگی، به دو گروه آئین‌های گذار و آئین‌های تقویت دسته‌بندی می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بازتاب این آئین‌های مذهبی در شعر صائب بر پایه تعالیم و باورهای شیعی متأثر از سیاست‌های مذهبی صفویان و شرایط اجتماعی مردم است.

کلید واژگان: آئین‌های مذهبی شیعه، گذار و تقویت، صائب تبریزی، تشیع، عصر صفویه.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

maryamasraee1358@gmail.com

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسؤل)

I.Mehr41@gmail.com

^۳ استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

a.daneshgar2015@gmail.com



مقدمه

آیین‌های مذهبی امروز جامعه شیعی، شکل کامل شده آیین‌هایی است که قبل از حکومت صفوی به صورت محدود و در عصر صفویه، در قلمرو این حکومت و با حمایت این دولت شیعی به صورت گسترده برگزار می‌گردید. عصر صفوی دوره ترویج و نشر مذهب شیعه بود و تلاش صفویه برای توجیه حاکمیت خود، مشروعیت بخشیدن به این حاکمیت و مذهبی نشان دادن آن در مقابل و رقابت با سه قدرت گورکانی، عثمانی و ازبکان، مهم‌ترین علت برپایی و تداوم آیین‌های مذهبی شیعه در قلمرو صفویه به شمار می‌آید. صفویان توانستند با برپایی آیین‌های مذهبی شیعه و طرح شعارهای شیعی، تشخص و هویت سیاسی ویژه‌ای برای خود تعریف نمایند که نقش قابل توجهی در گسترش تشیع و آیین‌های مذهبی شیعه در این دوره داشت. هر چند برگزاری آیین‌های مذهبی یک منشأ دیرینه اجتماعی داشت؛ لکن می‌توان رقابت‌های سیاسی صفویه با دیگر حکومت‌ها را، نخستین زمینه و علت برگزاری آیین‌های مذهبی شیعه در این دوره دانست. صفویان توانستند براساس عقاید و باورهای مذهب شیعه به همبستگی اجتماعی دست یابند که به وحدت و یکپارچگی ملی انجامید.

در میان متون ادبی، دیوان صائب از جمله آثاری است که با خلق مضامین تازه و کاربرد تصاویر شاعرانه، عقاید، اندیشه‌ها و فرهنگ حاکم بر عصر صفوی را به روشنی منعکس می‌کند. این بازتاب که متأثر از روزگار شاعر، باورها و اعتقادات وی است مباحثی چون آیین‌های مذهبی شیعه و اصول اعتقادی را مطرح می‌نماید. صائب، شاعر شیعی مذهب عصر صفوی متأثر از محیط، این آیین‌ها و سنت‌ها را با بهره‌گیری از شگرد هنری خود (مضمون آفرینی) در شعرش نشان می‌دهد. مذهب او شیعه دوازده امامی است. بیت زیر گواه این گفته است:

ز پیروان شریعت در این سرای سپنج دو شش زد آن که به اثنا عشر توّلّا کرد

(۸/ ۳۷۷۱)

دیوان صائب سهم قابل توجهی در نشان دادن اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر صفویه دارد و در جای جای شعر صائب موضوعات فرهنگی و اجتماعی، سنن و آیین‌های اجتماعی و مذهبی شیعی به خوبی دیده می‌شود. در شعر او زبان، فرهنگ و آیین‌های اجتماعی مردم با تمام وجود حضور دارد؛ گویا صائب عمداً اندیشه‌ها، اعتقادات، آیین‌ها و هر آن چه از مردم بود و به مردم تعلق داشت، همه را ثبت و ضبط کرده است.

این پژوهش بر آن است به روش توصیفی - تحلیلی آیین‌های مذهبی تشیع را با توجه به تقسیم‌بندی

آیین‌های مذهبی در انسان‌شناسی فرهنگی، به دو دسته آیین‌های «گذار» که در برگیرنده آیین‌های تولد، مرگ، ازدواج است و همچنین آیین‌های مذهبی «تقویت» که شامل آیین‌های سرور و شادمانی، سوگواری و عزاداری محرم و آیین‌های ماه رمضان است و در شعر صائب راه یافته بررسی و تحلیل نماید. بر این اساس آیین‌هایی مدنظر است که در فرآیند شکل‌گیری هویت جمعی شیعیان این دوره، نقش مثبتی داشته و در عملکرد و رفتار اجتماعی مردم عصر صفوی، تأثیر داشته است. برای نشان دادن آن ابتدا به بررسی اندیشه‌های شیعی حکومت صفویه و اوضاع سیاسی آن عصر پرداخته، آنگاه از بازتاب مذهب شیعه و آداب و رسوم مذهبی در شعر صائب سخن به میان می‌آورد.

سؤالاتی که این پژوهش درصدد پاسخگویی به آن است این است که زمینه‌ها و علل برگزاری و استمرار و گسترش این آیین‌ها در قلمرو صفویه چه بوده و در شعر صائب چگونه جلوه‌گر شده است؟ و میزان توفیق و توجه شاعر در به کارگیری این آیین‌ها تا چه حد است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد صائب تحت تأثیر آیین‌ها و باورهای شیعی زمان خود ابیات زیادی را به موضوع آیین‌های مذهبی شیعه در قالب گذار و تقویت اختصاص داده است.

پیشینه تحقیق

مجموعه مقالاتی که محققان درباره صائب نوشته‌اند، رسول دریاگشت در کتاب «صائب و سبک هندی» (۱۳۷۱) گردآوری کرده است. کتاب «معتقدات و آداب ایرانی از عصر صفوی تا دوره پهلوی» نگاشته هانری ماسه (۱۳۸۷). محمدحجت در کتاب «تجلی آموزه‌های دینی در شعر شاعران سبک هندی» (۱۳۹۱) فصلی کامل را به بررسی ابیات صائب اختصاص داده است. پرنوش پژوهش در مقاله «بازتاب شیعه در اشعار صائب» به نقش پادشاهان صفوی در ترویج مذهب تشیع و همچنین ارتباط بین اشعار صائب با مذهب شیعه اشاره کرده است. مریم آسرای در مقاله «مفاهیم و تفکرات شیعی در شعر صائب» علل و عوامل گسترش و رسوخ مفاهیم و عناصر شیعی و همچنین نوع نگاه شاعر به این مسأله و چگونگی تجلی امامان را در شعر صائب بررسی کرده است. ولی در پژوهش حاضر، گردآوری و تحلیل ابیات با تمرکز بر آیین‌های مذهبی شیعه (گذار و تقویت) در شعر صائب صورت گرفته است.

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است که با مراجعه به دیوان صائب (تصحیح محمد قهرمان) با نگاهی به اوضاع اجتماعی و سیاسی دوره صفویه ابیات مرتبط با آیین‌های مذهبی شیعه در

حوزه گذار و تقویت استخراج و سپس با دسته‌بندی موضوعی و ارجاع ابیات (شماره غزل / شماره بیت) و ابیات قصاید بصورت (ج ۶، قصاید: شماره صفحه) با مراجعه به منابع موجود، تحلیل می‌شود. در انتخاب شاهدها، سعی بر این بوده تا ابیات انتخابی شاخصه‌های مورد ادعا را در حدّ وضوح و به صورت برجسته دارا باشند.

مبانی تحقیق

دین و عقاید مذهبی

به جرأت می‌توان گفت یکی از مؤلفه‌های سازنده و مهم تاریخ اجتماعی ایران عصر صفویه، دین اسلام و عقاید و باورهای شیعی بوده است. حکومت صفوی برای ایجاد هویتی مستقل، وحدت آرمانی و یکپارچگی سیاسی و اعتقادی در بین مردم ایران و تقویت حاکمیت و بنیان‌های مشروعیت، اقدام به رسمیت بخشی مذهب شیعه دوازده امامی در ایران کرد.

جامعه‌شناسان نیز به نقش و کارکرد دین، در ایجاد همبستگی اجتماعی توجه کرده؛ از جمله دورکیم می‌گوید: «تشریفات دینی هر قدر از اهمیت کمتری برخوردار باشد، جامعه را به حرکت و تکاپو درمی‌آورد و بسیاری از مردم برای برپایی این جشن‌ها دور هم جمع می‌شوند. پس مهم‌ترین و نخستین تأثیر آن‌ها این است که افراد را به هم نزدیک می‌کند، بر تماس‌هایشان با همدیگر می‌افزاید و صمیمیت بیشتری در بین آنها ایجاد می‌کند» (دورکیم، ۱۳۸۳: ۲۸۰).

از منظر قرآن یکی از کارکردها و اهداف اساسی دین همبستگی اجتماعی و دور نگه داشتن جامعه از اختلاف است. کلام الهی تمسک به دین را عامل اصلی وحدت و انسجام اجتماعی معرفی می‌کند؛ در سوره آل عمران می‌خوانیم: «واعتصموا بحبلِ اللهِ جميعاً و لا تفرقوا» (آل عمران/ ۱۰۳).

در دوره صفویه مذهب شیعه بر اکثر جوانب زندگی ایرانیان سایه گسترده بود. آداب و مراسم دینی و مذهبی و رفتارهای اجتماعی و فردی تحت تأثیر آموزه‌های دینی و شیعی قرار گرفته بود. اهتمام به بزرگداشت و تعظیم شعائر شیعی، احترام به اهل بیت (ع) و سادات، برگزاری عزاداری محرم و عاشورا و رسم دیرین شیعی زیارت در کنار سایر آداب مذهبی شیعیان، به عنوان منبع تأثیرگذار و احساسی قوی، با تأثیرپذیری از مذهب تشیع بود که به وحدت ملی، اعتقادی، آرمانی و سیاسی انجامید و با محوریت سیاسی پادشاهان صفوی تقویت می‌شد. و ضمن تأثیرگذاری مستقیم بر زندگی اجتماعی شیعیان عصر صائب، سبب تمایز آنها از دیگر پیروان مذهب‌های اسلامی نیز شد. راجر سیوری درباره اهداف و کارکرد مذهب شیعه،

همبستگی مستقل اجتماعی و ایجاد هویت ملی در این عصر اینگونه می‌نویسد: «مذهب شیعه سبب تمایز آشکاری بین حکومت صفوی و امپراطوری عثمانی شد و به دولت صفوی هویت سیاسی و ارضی بخشید. رسمیت بخشی شیعه دوازده امامی به عنوان تنها مذهب رسمی کشور سبب ایجاد آگاهی بیشتری نسبت به هویت ملی و به این ترتیب، ایجاد دولت قوی‌تر و متمرکزتر شد» (سیوری، ۱۳۷۸: ۲۹).

زمینه‌ها، علل و عوامل برگزاری آیین‌های مذهبی شیعه در دوره صفویان

آیین‌های مذهب تشیع در جامعه عصر صفوی تحت تأثیر زمینه‌های موجود و عوامل مختلف در جامعه آن روزگار برگزار می‌شد. از جمله:

علل و عوامل سیاسی

حکومت صفویه در شرایطی روی کار آمد که ایران از بُعد سیاسی دچار آشفتگی بود و حکومت‌هایی در جای‌جای مختلف آن حکمرانی می‌کردند؛ از جمله آق‌قویونلوها در غرب و شمال غربی و تیموریان در خراسان بزرگ‌ترین آن‌ها بودند. صفویه از این تشّت و نابسامانی سیاسی استفاده کرده و هنگامی که آق‌قویونلوها بر سر تاج و تخت در جنگ بودند، تبریز را تصرف کردند و حکومت خویش را بنا نهادند. آن‌ها از مذهب شیعه در راستای نیل به قدرت و مخالفت و نبرد با حکومت‌های دیگر استفاده کردند. شاه اسماعیل با اتکا بر نفوذ دوپست سالد اجداد خود، حکومت صفوی را بنیان نهاد و در اولین اقدام خود، شیعه اثناعشری را در استوار کردن مبانی و پایه‌های این حکومت، مذهب رسمی قلمرو خویش اعلام کرد. وی در شهر تبریز تاج‌گذاری کرد، خطبه خواند و سکه به نام امیرالمؤمنین (ع) ضرب کرد. باورها، سیاست و ایدئولوژی صفویان به شیعه دوازده امامی، تأثیر ژرفی در شکل دادن ایران امروزی داشته است. به همین دلیل صائب در قصاید از دولت صفوی ستایش کرده و در مدح پادشاهان این سلسله به شیعی بودن آنان با عنوان **اثنا عشر** اشاره کرده است. گویا صائب استفاده از عناصر مرتبط با مذهب تشیع برای توصیف و مدح ممدوح خود را مؤثرتر از سایر توصیف‌ها دانسته است. از جمله در مدح شاه صفی می‌گوید:

صاحب لوای مذهب **اثنا عشر** صفی کامروز ازوست سکه دین جعفری عیار

(ج ۶، قصاید: ۳۵۴۴)

ترویج مذهب شیعه به عنوان تنها مذهب رسمی کشور و کوشش‌های بی‌دریغی که شاهان صفوی برای تحکیم و تثبیت آن انجام می‌دادند از اشعار صائب کاملاً مشهود و نمایان است.

وی در مدح شاه‌عباس ثانی و توسعه تشیع در هند در فتح قندهار این گونه سروده است:
در هند گشت خطبه اثناعشر بلند شد کامل العیارزر از نام هشت و چار

(ج ۶، قصاید: ۳۵۶۸)

صفویه برای تائید ادعای خویش و تثبیت این هویت از همان روزهای آغازین تأسیس، به برگزاری آیین‌های مذهب تشیع اقدام کرده و از برپایی آن‌ها حمایت کردند. پادشاهان صفوی پس از ایرانی بودن خود، بر هویت مذهبی چون سیادت و تشیع تأکید می‌کردند و خود را از منسوبان به امامان شیعه (ع) تلقی می‌کردند؛ رفتن به زیارت ائمه شیعه و فرزندان آنها را زیارت خویشاوند مقدس خود قلمداد می‌کردند و با این روش، عقیده مردم را نسبت به نسب سیادت خود تثبیت و تقویت می‌کردند. این مضمون و باور شیعی در شعر صائب بازتاب داشته؛ چنان چه وی در مدح شاه صفی می‌گوید:

کدام فخر به این می‌رسد که از شاهان ترا به شاه نجف می‌رسد نژاد و تبار

(ج ۶، قصاید: ۳۵۵۳)

علاوه بر آن، پادشاهان صفوی خود را از نسل امام هفتم، امام موسی کاظم (ع) می‌دانستند. به گفته ملک الشعراء بهار جدّ خاندان صفوی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، پیشوای گروهی از صوفیان بود و مدعی بود که بیستمین نواده امام هفتم از امام موسی کاظم (ع) است (ر.ک: بهار، ج ۳، ۱۳۷۳: ۲۵۱). صائب در قصیده‌ای که با عنوان در «تعمیر تربت پاک امیرالمؤمنین علی (ع)» سروده در مدح وی به این نسبت دودمان صفوی به ائمه به ویژه امام موسی کاظم (ع) اشاره کرده است:

از خاندان کاظم و از دوده حسین کرده است اختبار شفیعی بزرگوار

(ج ۶، قصاید: ۳۵۴۴)

به گفته ادوارد براون «صفویه این افتخار را داشت که از ایران ملتی دوباره، مستقل، خودمحمور، پر قدرت و مورد احترام بسازد که مرزهای آن در زمان پادشاهی شاه عباس کبیر با مرزهای امپراطوری ساسانی برابر بود» (براون، ج ۴، ۱۳۶۹: ۱۶). ابیات زیر از صائب در مدح شاه صفی گواه این مطلب است:

آن فارس جهان عدالت که فارس را از ظلم پاک کرد به شمشیر آبدار
در هم شکست خسرو اقلیم روم را در چشم تنگ از بک ظالم شکست خار

(ج ۶، قصاید: ۳۵۴۴)

توجه به سفرهای زیارتی در بین پادشاهان صفوی به ویژه شهر مقدس مشهد و بعد از آن عتبات عالیات از زمان شاه عباس اول و جانشینان وی به اوج خود رسید. تا قبل از حاکمیت دولت صفوی و رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران، به دلیل ایمن نبودن راه‌ها و شرایط پُر تنش سیاسی، زیارت به عنوان یک رسم و سنت مهم شیعی بسیار کم‌رنگ بود. با تأسیس دولت صفوی و برقراری ثبات و دولتی یکپارچه در ایران، به زیارت به عنوان یکی از مراسم مهم شیعه اثناعشری که تأثیر بسزایی در تقویت باورهای سیاسی و مذهبی مردم نسبت به سلسله صفوی داشت، توجه ویژه‌ای نشان دادند. در نتیجه زیارت اماکن و مقابر مقدس مذهبی احیاء شد و شیعیان در قالب کاروان‌هایی به زیارت مشاهد متبرک شتافتند.

این سنت شیعی در شعر صائب بازتاب داشته؛ وی در آغاز جوانی احرام سفر حج بست و به زیارت مکه و مدینه مشرف گردید و در بازگشت از این سفر به زیارت حضرت علی بن موسی الرضا (ع) شتافت:

لله الحمد که بعد از سفر حج صائب عهد خود تازه به سلطان خراسان کردم

(۱۰/ ۵۶۳۹)

پادشاهان صفوی به انجام مراسم مذهبی و حفظ ظواهر شرع علاقه تامی داشتند و مردم نیز به مصداق «الناس علی دین ملوکهم» از این روش اطاعت می‌کردند و در حفظ ظواهر شرع متعصب و ثابت قدم بودند (ر.ک: آسرای، ۱۴۰۰: ۱۷). صائب در ستایش شاه‌عباس دوم می‌گوید:

حکم بر عالم به فرمان شریعت می‌کند هست با فرماندهی در شرع از فرمانبران

(ج۶، قصاید: ۳۵۶۴)

آیین‌های مذهبی جزء نمادهای مذهبی و شعائر شیعی حکومت صفوی به شمار می‌آمد و مورد توجه و منظور پادشاهان صفویه و مردم بود. به همین دلیل، حتی عمال حکومتی اعم از داروغه‌ها و امیران کوشش می‌کردند با زمینه‌سازی برپایی آیین‌های مذهبی مقبولیت اجتماعی پیدا کنند و هم توجه و نظر مطلوب شاه را درباره خویش داشته باشند. صائب در شعرش به بستن در میخانه‌ها توسط مأموران حکومتی اشاره می‌کند:

مشو غمگین در میخانه را گر محتسب گل زد که جوش گل شراب لعل فام آورد مستان را

(۶/۴۰۸)

در واقع، برپایی آیین‌های مذهبی و شرکت همگانی در روند برگزاری این آیین‌ها همسویی با حکومت مرکزی و پادشاه و به ویژه یک نوع فرمانبرداری و اطاعت از شاه به شمار می‌رفت. بر

همین اساس در عیدهای مذهبی، برای عرض تبریک و تهنیت‌گویی به دربار پادشاه می‌رفتند (ر.ک: ترکمان، ج ۲، ۱۳۸۲: ۷۳۸). نه فقط قدرتمندان حکومتی بلکه بزرگان هر قوم و منطقه نیز در بزرگداشت آئین‌های مذهبی تلاش می‌کردند و در جشن‌های مذهبی برای تبریک گفتن عید نزد حاکم شهر و منطقه خویش می‌رفتند. صائب به این آیین اجتماعی اعیاد مذهبی در شعرش اشاره می‌کند.

درد بر من ناگوار از پرسش احباب شد
تلخ بر من عید را رسم مبارکباد کرد
(۴/۲۳۵۴)

علل و عوامل فرهنگی و مذهبی

زمینه‌ها و عوامل فرهنگی و مذهبی متعددی در برپایی و استمرار آیین‌های مذهب تشیع در عصر صفوی تأثیر می‌گذاشتند. باورهای مذهبی مردم تأثیر شگرفی در برپایی و برگزاری آیین‌های مذهبی داشت؛ مخصوصاً سفارش مذهبی به این آیین‌ها از جمله آیین ازدواج به شکلی بود که زناشویی را یکی از وظیفه‌های مهم مذهبی می‌دانست. مردم عامه بر این باور بودند که دین اسلام عذب بودن و تجرد را ناشایست می‌داند و خشنودی پروردگار در آن است که ازدواج در بین مردم رواج یابد (ر.ک: شاردن، ج ۱، ۱۳۷۲: ۴۳۳). باور مذهبی دیگر مردم این عصر بر این بود که تدفین میت در بعضی از قبرستان‌ها باعث کاهش عذاب و رنج میت می‌شود (ر.ک: همان، ج ۲، ۱۳۷۲: ۵۳۱). به همین دلیل اجساد شاهان خود را در یکی از شهرهای مشهد، قم، اردبیل و کاشان به خاک می‌سپردند و این مناطق را به دلیل وجود مزار بزرگان دین و امامزادگان مقدس می‌دانستند. آنها عقیده داشتند هر که در کنار بارگاه امام رضا (ع) دفن شود، آمرزیده می‌شود (ر.ک: همان، ج ۵: ۱۶۶۴). صائب از این باور مردم عصر بهره برده و در قصیده‌ای که در مدح امام رضا (ع) سروده، این‌گونه آورده است:

از محجرهای زرینش که دام رحمت است
می‌توان آمرزش جاوید را کردن شکار
(ج ۶، قصاید: ۳۵۴۷)

بر طبق آموزه‌های دینی اجساد مردگان را هنگام حمل به قبرستان در تابوت قرار می‌دادند. (ر.ک: شاردن، ج ۴، ۱۳۷۲: ۱۵۱۲). صائب اشاره‌ای نیز به این آیین مذهبی داشته و می‌سراید:

تابوت‌وار بر لب گورست پای تو
افتادن از شراب چو سنگ مزار چیست؟
(۷/۲۰۲۴)

خوردن شراب و انواع مشروبات الکلی دیگر نیز طبق آموزه‌های شرعی ممنوع بود (ر.ک: شاردن، ج ۱، ۱۳۷۲: ۲: ۸۴۵).

گر محتسب شکست خم می‌فروش را دست دعای باده‌پرستان شکسته نیست

(۲/۲۰۶۵)

علل و عوامل زیستی، اجتماعی و اقتصادی

برخی از زمینه‌ها و عوامل مؤثر در برگزاری آیین‌های مذهبی در عصر صفوی، عوامل اجتماعی، زیستی و اقتصادی بود. یکی از این علل مؤثر، عرف جامعه بود که آیین‌های ازدواج را تحت تأثیر خویش قرار می‌داد. بنابر عرف اجتماعی دوره صفویه، جوان قبل از بیست سالگی نمی‌توانست به فعالیت جدی اجتماعی بپردازد مگر این که پیش از رسیدن به سن بیست سال ازدواج کند و خود را از قید نظارت و سرپرستی پدر رها بداند (ر.ک: شاردن، ج ۲، ۱۳۷۲: ۷۶۷).

تأثیر طبقه اجتماعی افراد را در برپایی آیین‌های مذهبی می‌توان در روند برگزاری آیین‌های زناشویی و ازدواج به خوبی دید؛ افراد طبقات پایین اجتماعی، آیین ازدواج را ساده برپا می‌کردند. حتی توان اقتصادی و طبقه اجتماعی بر مدت زمان برپایی جشن و جهیزیه و تحفه‌های اهدایی به عروس تأثیر داشت. به استناد اشعار صائب، در برخی مناطق بین خانواده‌ها، مرسوم بود که هنگام خواستگاری، علاوه بر مهریه‌ای که برای زن معین می‌شد، شوهر موظف به پرداخت مالی برای والدین زن می‌شد که شیربها نامیده می‌شد و عبارت بود از پولی که به عنوان کمک هزینه انجام مراسم عروسی یا تهیه جهیزیه، داماد باید آن را می‌پرداخت. صائب در بیت زیر اشاره‌ای به این سنت دارد:

آماده کن به شیربها عقل و هوش را پیوند اگر به سلسله تاک می‌کنی

(۵/۶۹۵۷)

شرایط و زمینه‌های مالی تأثیر آشکاری در چگونگی برگزاری آیین‌هایی همچون خواستگاری داشت. وضعیت اقتصادی حتی بر تعداد زنان یک مرد و همسرگزینی او تأثیر داشت. تنها کسانی همسر دائم می‌گرفتند که دارا و متمکن بودند و دیگران به متعه یا کنیز روی می‌آوردند (ر.ک: شاردن، ج ۱، ۱۳۷۲: ۴۳۸).

صائب از عنوان عقد روان در مقابل عقد دوام استفاده کرده و می‌گوید:

ای شیشه می چند دهن بسته نشینی با جام بکن عقد روان دختر رز را

(۴/۸۰۵)

رغبت و عدم رغبت پادشاهان صفوی به برخی از امور هم سبب تأثیرگذاری بر شیوه برپایی بعضی از آیین‌ها می‌شد. برای مثال توجه پادشاهان صفوی به مغنیان و مطربان و پشتیبانی از آن‌ها باعث رواج غنا و خوانندگی در مجالس جشن و سرور مردم شیعی در آن روزگار می‌شد. این توجه و حمایت پادشاهان صفوی سبب شد در این جامعه شیعی طبقه‌ای به نام مطربان و مغنیان شکل گیرد (ر.ک: شاردن، ج ۱، ۱۳۷۲: ۱۹۰). در شعر صائب بارها اشاراتی به حضور مطربان در بزم‌ها شده است. از جمله:

در بهاران بزم عیش میکشان آماده است جوش گل هم شاهد و هم مطرب و هم باده است

(۱/۱۱۲۰)

علل اقتصادی زمینه‌ساز اذیت زنان و در نهایت طلاق می‌شد. به همین دلیل گاهی در بین قشر پایین جامعه برخی از مردان که در اداره امور خانواده ناتوان بودند و توان پرداخت مهریه و نفقه را هم نداشتند به بهانه‌هایی با همسر خود بدرفتاری می‌کردند و با شکنجه و آزار جسمی و روحی زن را وادار به طلاق بدون مهریه می‌کردند (شاردن، ج ۱، ۱۳۷۲: ۴۴۴). صائب به این مسأله اشاره کرده و می‌گوید:

نیست جفت ناموافق را علاجی جز طلاق با تو گر دنیا نسازد، ترک دنیا بهتر است

(۸/۹۸۲)

آیین‌های مذهبی شیعه (گذار و تقویت)

در اصطلاح انسان‌شناسی و مردم‌شناسی آیین معناه‌های رایجی دارد: ۱- هرگونه گُنش تکراری، ۲- رفتار قاعده‌مند و رسمی که از الگوهای تکرارشونده و ثابت پیروی می‌کند و بیانگر باورها و ارزش‌های جمعی است، ۳- مجموعه اعمال تکرارپذیر، رسمی و متکی بر باورها، ۴- مراسم مذهبی (ر.ک: داتیس بتیس و فردبلاگ، ۱۳۷۵).

اعتقادات و باورهای بنیادی هر جامعه در آیین‌های مذهبی آن جامعه شکل می‌گیرد و ظاهر می‌شود و غالباً با ساخت نماد یا ترکیب نمادهایی همراه است که از ریشه‌های دینی و اعتقادی مشترک و یکسانی سرچشمه می‌گیرند. در دسته‌بندی‌های انسان‌شناسی فرهنگی، آیین‌ها در هر اجتماعی به دو دسته کلان آیین‌های گذار و آیین‌های تقویت تقسیم می‌شوند.

آیین‌های مذهبی گذار

آیین‌های گذار بیانگر گذر فرد از یک جایگاه اجتماعی به جایگاه دیگر است و فرآیندهای زیستی

تولد، ازدواج و مرگ انسان را شامل می‌شود (ر.ک: داتیس بتیس و فردپلاگ، ۱۳۷۵: ۶۷۹-۶۸۰). بنابراین اصطلاح آیین‌های گذار یا دور زندگی شامل مراسم آیینی مرتبط با تولد، ازدواج و مرگ می‌باشد.

آیین‌های مذهبی تقویت‌کننده

آیین‌ها می‌توانند تقویت‌کننده و افزایش دهنده همبستگی گروهی یا پیشبرد دگرگونی باشند؛ هر چند که ممکن است دگرگونی حاصل شده در عمل، با خواسته‌ها و انتظارات گروه مذهبی برگزارکننده متفاوت باشد (ر.ک: داتیس بتیس و فردپلاگ، ۱۳۷۵: ۶۷۷-۶۷۹). حتی می‌توان گفت؛ آیین‌های مذهبی علاوه بر تقویت‌کنندگی همبستگی گروهی، می‌توانند تقویت‌کننده رابطه عبادی بین انسان و آفریدگارش شوند. آیین‌های سرور و شادمانی، سوگواری و عزاداری و آیین‌های عبادی در این دسته جای می‌گیرند.

بحث

آیین‌های مذهبی گذار در شعر صائب

آیین‌های تولد

منظور از آیین تولد مجموعه رفتارهای آیینی است که در آغازین لحظه‌های تولد طفل انجام می‌شد. بر خشت زادن، بریدن ناف نوزاد، تحنیک، مهره به گهواره طفل بستن و سر پستان سیاه کردن از جمله آیین‌هایی است که در شعر صائب بدان‌ها اشاره شده است.

- **ناف بریدن نوزاد:** مردم عصر صائب بر این باور بودند که زمان تولد نوزاد اگر قابله ناف طفل را به خوشی و خرمی ببرد، طفل بیشتر اوقات در خوشی و خرمی است، و اگر به اندوه و غم ببرد به غم و اندوه بگذراند (ر.ک: گلچین معانی، ج ۲، ۱۳۶۵: ۷۰۹). در ابیات زیر شاعر اشاره به بریدن ناف وی به عشرت و شیرینی دارد:

ناف مرا به نغمه عشرت بریده‌اند چون نی نمی‌زنم نفس بی‌ترانه‌ای

(۷/۶۹۳۱)

من به لیمویی قناعت کرده‌ام از روزگار ناف صحرای مرا گردون به شکر می‌برد

(۷/۲۳۳۱)

- **کام برداشتن کودک (تحنیک):** برداشتن کام طفل با خاک کربلا یا با آب شیرین مرسوم بود (ر.ک: بهاء‌الدین عاملی، ۱۴۲۹ ه.ق: ۶۹۲-۶۹۳). به استناد بیت زیر کام کودکان را با شکر برمی‌داشتند:

فریب زندگی تلخ داد دایه مرا ز شگری که به طفلی مرا به کام کشید
(۸/۴۰۳۳)

آیین‌های ازدواج

در دین مبین اسلام به ویژه مذهب تشیع، زناشویی و ازدواج، جایگاه خاصی دارد به طوری که عالمان و فقیهان شیعه صفویه از ائمه معصومین (ع) روایت می‌کردند «بدترین مردهای مسلمانان آن کسانی هستند که عذب مرده باشند» (بهاء‌الدین عاملی، ۱۴۲۹ ه.ق: ۶۰۶). براین اساس ازدواج و زناشویی ترویج می‌شد. این جشن که از مراسم باشکوه و سنت ملی ایران به شمار می‌رفت در شعر صائب بازتاب داشته است. از جمله:

- **کابین:** یا مهریه، ماسه در کتاب معتقدات و آداب ایرانی درباره این رسم می‌نویسد: «وقتی پدر و مادر دختر با پیشنهاد زناشویی موافق باشند، مواد عقدنامه تنظیم و از سوی شوهر وعده هدایا و مبلغی وجه نقد را می‌دهند که معمول است. این مبلغ مهر یا کابین نامیده می‌شود» (ماسه، ۱۳۵۷: ۷۵/۱).

فریب دختر رز خورده‌ای، نمی‌دانی که این سیاه درون را حجاب کابین است
(۴/۱۷۳۷)

- **حباله:** نکاح، قید زناشویی
ز بی‌قراری ما درد سر کشد بالین شبی که دختر رز نیست در حباله ما
(۲/۶۵۸)

- **عقد دوام:** ازدواج دائم
عروس ملک در عقد دوام کس نمی‌آید لب خشک است از آب زندگی قسمت سکندر را
(۸/۳۶۵)

آیین‌های وفات و سوگواری در گذشتگان عادی

آیین‌های سوگواری نیز از جمله مراسمی است که در حوزه فرهنگ یک جامعه قرار می‌گیرد. در این قسمت، به بررسی آداب و سنت‌های سوگواری به عنوان یک مسأله اجتماعی در عصر صائب پرداخته می‌شود و سعی بر آن است تا مراسم سوگواری و عزاداری، تدفین، تلقین، پوشش سوگ، در نزد حاکمان و مردم عصر مورد توجه قرار دهد. و از این رهگذر تا حدودی بحث تاریخی و مذهبی آداب سوگواری را در نزد ایرانیان و شیعیان این دوره روشن نماید. این

آداب و آیین‌های مذهبی شیعی نیز همانند جشن‌ها و اعیاد در شعر صائب بازتابی گسترده یافته است.

- **ذکر بلند:** بنابر شعر صائب مرسوم بوده که محتضر در واپسین لحظات زندگی **ذکر** می‌گفت:

گویند سنت است که در وقت احتضار **ذکر بلند** ورد زبان حزین بود

(۸/۴۲۴۳)

- **حلالی خواستن:** بحلی طلبیدن. معمولاً کسی که در حال مرگ است، از او بحلی می‌طلبند:

جان ز لب در فکر دامن بر میان پیچیدن است **گر حلالی خواهی از بیمار ما، وقت است وقت**

(۶/۱۴۰۴)

سنت‌های تدفین و خاکسپاری: خاکسپاری، در قبر نهادن میت و دفن او پس از غسل دادن، تکفین و خواندن نماز میت و تلقین، مطابق با احکام و آداب شرعی بود.

- **مرده در کافور خواباندن**

چو مرده‌ای ست که خوابانده‌اند در کافور **کسی که در شب مهتاب می‌برد خوابش**

(۳/۵۰۰۷)

- **کفن کردن**

ای بسا میت که خواهد بی‌کفن رفتن به خاک **گر چنین خواهد بزرگی یافت دستار صلاح**

(۲/۲۲۷۸)

به استناد اشعار صائب گویا برخی از افراد، لباس و جامه احرام خود را به عنوان کفن نگه می‌داشتند و بعد از مرگشان، از آن به عنوان کفن استفاده می‌کردند:

مساز جامه احرام را کفن زنه‌ار **مشو چو مرده‌دلان غافل از سفیده صبح**

(۲/۲۲۹۲)

- **تلقین:** اصول و مبانی مذهبی را به میت هنگام دفن القا کردن

مهر زن بر لب گفتار، کزین مرده‌دلان **مرده‌ای نیست که شایسته تلقین باشد**

(۸/۳۴۵۸)

- **لحد و خشت لحد:** پس از قرار دادن میت در گور، مرسوم بود یکی از مردان خانواده

مُتوفی درون قبر می‌رفت و مُرده را به پهلولی راست و رو به قبله می‌خواباند و تکه آجری زیر

سر و خشتی خام در پشت او قرار می‌داد (ر.ک: میرنیا، ۱۳۶۹: ۲۰).

ز تنهایی نخواهد کرد وحشت در لحد صائب اگر پیش از اجل گردیده‌ای عزلت گزین اینجا
(۱۰/۳۱۷)

چون به بالین سر نهی، یادآور از خشت لحد چون برآری سر ز خواب، از صبح محشر یاد کن
(۴/۶۰۸۶)

- الف بر خاک کشیدن: طبق گفته گلچین معانی در مذهب امامیه مرسوم بود که متوفی را زمانی که دفن می‌کردند، برای آموزش وی هفت بار انا انزلناه می‌خواندند، و هر بار بر قبر خط می‌کشیدند (ر.ک: گلچین معانی، ج ۱، ۱۳۸۱: ۱۱۳). این آیین در شعر صائب بازتاب داشته است:

بر خاک ما به جای الف تیغ می‌کشد خصم سیه دلی که پی ما گرفته است
(۱۱/۱۹۶۴)

آیین‌های مذهبی تقویت در شعر صائب

آیین‌های سرور و شادمانی

پیش از شکل‌گیری حکومت صفویّه آیین‌های سرور و شادمانی مذهبی، به دلایلی کمتر مورد توجه بود؛ اما در این عصر، خصوصاً با تعصبی که این دولت شیعی در رعایت رسوم و آداب مذهبی از خود نشان می‌داد، این آیین‌ها مورد توجه قرار گرفت و گسترش یافت (ر.ک: جعفری، ج ۱، ۱۳۸۰: ۱۲۳).

جشن‌های شادمانی و سرور، به خصوص اعیاد مذهبی با نوا و آوای شیپورها و طبل‌ها به گوش همگان می‌رسید (ر.ک: سانسون، ۱۳۷۷: ۵۰).

از رسوم رایج این اعیاد، دید و بازدید و تهنیت‌گویی عید و آرزوی سلامتی و طول عمر برای همدیگر بود. صائب به این سنت اشاره کرده و باور دارد که آیین و شعار مردم است:

عید و نوروز مبارک را بود عین الکمال دید و وادیدی که آیین و شعار مردم است
(۷/۱۰۴۸)

نکته جالب در این بررسی ملالت و دل ناخوشی شاعر از برگزاری این سنت است؛ به گونه‌ای که صائب در ۲۱ بیت به این مسأله اشاره می‌کند.

عید فطر: یا عید رمضان، یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عیدهای کشور بود (ر.ک: شاردن، ج ۱،

۱۳۷۲: ۴۴۹). به طوری که پادشاهان صفوی به هنگام مسافرت و لشکرکشی نیز از بزرگداشت و برگزاری جشن و آداب و سنن آن چشم‌پوشی نمی‌کردند (ر.ک: خواندمیر، ج ۴، ۱۳۸۰: ۵۵۸). از رسوم مربوط به این عید که در شعر صائب بدان‌ها اشاره شده **استهلال**، **نماز عید**، **پرداخت کفّاره**، **دید و بازدید** و.. است.

- **استهلال**: یکی از رسومی که شب قبل از فرا رسیدن عید فطر انجام می‌شده، جستجوی ماه شوال بود که به این کار استهلال می‌گویند. «مسلمانان برای دانستن ماه رمضان ناچارند که هلال را رؤیت کنند و ببینند که چقدر ماه به خود نور گرفته ...» (بیرونی، ۱۳۶۷: ۹۶). و تا هلال رؤیت نمی‌شد عید برپا نمی‌گشت. صائب درباره رؤیت هلال ماه این‌گونه می‌گوید:

عالمی در جستجوی ماه اگر سرگشته‌اند نعل ماه عید در آتش ز جستجوی کیست؟
(۱۲/۱۲۴۷)

- **نماز عید**: برپایی نماز عید، صبح عید انجام می‌گرفت:

غم از دل می‌زداید چون صباح عید رخسارت **نماز عید** واجب می‌کند بر خلق دیدارت
(۱/۱۴۰۷)

- **پرداخت کفّاره**: یعنی چیزی که در عوض گناهی به کسی دهند:

کفّاره شراب‌خوری‌های بی‌حساب هشیار در میانه مستان نشستنت
(۷/۱۹۲۴)

- **وادید**، **وادیدن**: بازدید، دیگر بار دیدن. «ایرانیان در هرگونه شادی و سوگواری و اعیاد رسمی به دقت از یکدیگر دید و بازدید به عمل می‌آوردند در این قبیل مواقع بزرگان از کوچکان انتظار بازدید دارند و سپس این‌ها مقابله به مثل می‌کنند» (شاردن، ج ۴، ۱۳۳۶: ۱۵۷).

صائب دل خوشی از این سنت ندارد و ذهن حسّاس شاعر از این مقوله انتقاد کرده:
وادید کرده است به من تلخ، دید را در رجعت است عادت اعداد، عید را
(۱/۶۹۸)

عید قربان یا **عید اضحی**: «دهم روز از ذی‌الحجه عید گوسپند کشان که حاجیان به منی قربانی

کنند ...» (بیرونی، ۱۳۶۷: ۲۵۳). صائب در یک بیت از عنوان عید قربان بهره برده:

زمین ز جلوۀ قربانیان گلستان است بریز خون صراحی که **عید قربان** است
(۱/۱۷۱۸)

- **قربانی کردن:** صائب بارها اشاراتی به رسم قربانی کردن دارد از جمله:

مزد تسلیم است عشق اگر قربانی
گشت چون تسلیم اسماعیل، قربانی رسید
(۲/۲۷۵۴)

- **بسمل:** خلاصه بسم الله الرحمن الرحيم گفتن که در هنگام کشتن حیوان مرسوم بوده است.
تیزی تیغ است بر قربانیان عید دگر چون نمی‌بخشی، به تیغ غمزه **بسمل** کن مرا
(۵/۱۷۲)

عید غدیر

برپایی مراسم عید غدیر از جمله آیین‌های مذهبی شیعه است که سازنده تاریخ اجتماعی شیعیان و در حقیقت شعار و رمز تشیع است. غدیر روز هجدهم ذی الحجه است که پیامبر اسلام (ص) بر اهل عالم شرط کرد «هر که اعتقاد به امامت امیرالمؤمنین و یازده فرزندش کند آتش دوزخ بر او حرام باشد» (مجلسی، ج ۶، ۱۴۱۴ ه. ق: ۲۵۱). این عید به عنوان عید ولایت از آن جهت که با داعیه‌های مذهبی صفوی مناسبت داشت، در اصفهان مورد توجه مردم بود (ر.ک: جعفری، ۱۳۸۰: ۱۲۴).

کمپفرد در این زمینه آورده است: «در باور شیعی ایرانیان، هنگامی که پیامبر اسلام (ص) و علی (ع) باهم مصافحه می‌کردند، در پی معجزه شگفت‌انگیزی به یک جسم و روح تبدیل شدند. به این علت در این روز شیعیان جشن با شکوهی برپا می‌کنند ... این وحدت جسم و روح سند و دلیل قاطعی است برای شیعیان بر ضد اهل سنت و آن را نشانه‌ای قطعی می‌دانند از تصمیم پیامبر اسلام (ص) برای جانشینی خود» (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۸۳).

صائب در قصیده‌ای که در تعمیر تربت امیرالمؤمنین (ع) سروده است، از عنوان عید غدیر بهره برده و می‌گوید:

آخر ز فیض ساقی کوثر تمام سال
عید غدیر شد به مقیمان این دیار

(ج ۶، قصاید: ۳۵۴۳)

آیین‌های ماه رمضان

- **روزه:** صائب در بیت زیر به یکی از فواید روزه گرفتن؛ مبارزه با هوای نفس اشاره می‌کند:

روزه سازد پاک صائب سینه‌ها را از هوس
ز آتش امساک می‌سوزد تمناهای خاک

(۷/۵۲۸۱)

- **افطار:** یا روزه گُشا. در بیت زیر صائب می‌گوید، همان طور که انسان هنگام غروب روزه می‌گشاید، خداوند هم گره از کارها می‌گشاید:

لذت افطار در دنبال باشد روزه را صبح اگر بندد دری ایزد گشاید وقت شام

(۶/۵۲۸۱)

- مراسم احیاء و شب‌زنده‌داری در شب قدر

شب‌زنده‌داری در شب‌های قدر یکی از مهم‌ترین اعمال آیینی شب‌های قدر شناخته می‌شد. به گونه‌ای که شاه‌عباس اول طی مشهورترین سفر زیارتی خود به مشهد از کسانی بود که به شب‌زنده‌داری شب قدر توجه نمود و در جوار صحن امام رضا (ع) به زائران آن حضرت خدمت کرد (ر.ک: ترکمان، ج ۲، ۱۳۸۲: ۶۱۲). صائب به این مسأله توجه کرده و می‌گوید:

سهل است اگر به خواب شب قدر بگذرد در خواب مگذران دم صبح بهار را

(۳/۷۰۲)

- عبادت شب‌های قدر

فرهنگ عمومی جامعه شب نوزدهم، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم را به عنوان لیالی قدر پذیرفته بود. در این لیالی مسجدها رونق داشت و مردم برای نماز و دعا به مساجد می‌رفتند و به عبادت می‌پرداختند (ر.ک: کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۸۲). صائب از سنت عبادت شب‌های قدر بهره برده و می‌گوید:

در شب قدر به غفلت گذراندن ستم است روزگار خط آن تازه جوان را دریاب

(۵/۸۹۶)

آیین‌های سوگواری ایام محرم و شهادت امام حسین (ع)

برگزاری سوگواری بین مردم یکی از حرکات فرهنگی و ملی است که برای نگه‌داشتن یادبود و خاطره شهادت مظلومانه امام حسین (ع) در کربلا و یادآوری روح مبارزه بین شیعیان و خلفا در قرون دوم و سوم و چهارم هجری اولین بار به صورت رسمی توسط یکی از حاکمیت‌های ایرانی شیعی یعنی آل‌بویه صورت گرفت (ر.ک: صفاکیش، ۱۳۹۰: ۴۳۴). اشاره به ماه محرم و عزاداری در این ماه، از باورهای مذهبی شیعیان است که می‌توان آن را از تأثیرات رسمی و همه‌گیر شدن این مذهب دانست. از جمله باورها و آیین‌هایی که در شعر صائب بازتاب داشته، موارد زیر را می‌توان اشاره کرد:

- سنگ و تیغ مهر کردن: در این ایام ناخن گیری و سر تراشی ممنوع بوده (گلچین معانی، ج ۲، ۱۳۸۱: ۶۳).

گرچه سنگ و تیغ را مژگان او کرده‌ست مهر بوی خون می‌آید از چاه زنخدانش هنوز
(۱۰/۶۶۷۲)

- نخل: بنای نمادینی به نشانه تابوت امام حسین (ع) بود. در فرهنگ معین در تعریف آن آمده است: «تابوت بزرگ و بلندی که با پارچه‌های قیمتی تزئین کنند و بر آن آئینه‌ها و خنجرها و شمشیرها نصب نمایند و روز عاشورا به عنوان تابوت حسین بن علی (ع) در دسته حرکت دهند» (معین، ۱۳۸۷: ۱۴۶۰).

از جگرها می‌کشد این نخل ماتم آب خویش تا قیامت زین سبب پیوسته در نشو و نماست
(قصاید: ۳۵۹۰)

- لعن یزید

از دیگر آداب مذهبی که در شکل‌گیری تاریخ اجتماعی شیعیان در عصر صفویه تأثیر داشته، می‌توان به تجاهر به سب و لعن علنی و تبراً اشاره نمود. در پی سفارش عده‌ای مبنی بر چشم‌پوشی از ترویج تجاهر به سب و لعن علنی و تبراً شاه اسماعیل اول می‌گوید: «من شهریاری و پادشاهی را برای ترویج دین مبین و لعن دشمنان اهل بیت (ع) می‌خواهم و اگر این نباشد آن به چه کار من آید» (ناجی، ۱۳۸۷: ۱۵۹). بدین ترتیب لعن به شعار ملکی تبدیل شد و در تمام مراسم و آیین‌ها به کار می‌رفت. صائب زیاده‌روی می‌کند و می‌گوید، لعنت کردن بر یزید حتی حرام بودن شراب و می را نیز از بین می‌برد:

لعن یزید، تلخی حرمت ز می برد بر روی ما عبث در میخانه بسته‌اند
(۶/۴۱۳۱)

ممنوعیت لعن یزید توسط حاکم بغداد: به گفته امیری فیروزکوهی زمان سرایش بیت زیر به سالی بر می‌گردد که صائب به زیارت عتبات عالیات مشرف و حاکم بغداد طی حکمی مردم را از لعن یزید باز داشته بود. با اینکه صائب در تمام عمر خود یک بیت در هجو کسی نگفته بود این بیت را سرود:

حاکم بغداد حکمی کرد می‌باید شنید تا که او باشد نباید کرد لعنت بر یزید
(ر.ک: امیری فیروزکوهی، ۱۳۷۳: ۳۸)

از دیگر نکات قابل تأمل در دیوان صائب که نمی‌توان آن را از نظر دور داشت این است که شعر صائب به لحاظ صورت مشحون از اشارات متنوع و متعددی به آیین‌های مذهب تشیع است اما به لحاظ محتوایی در شعر او همان نگاه نقادانه‌ای را می‌بینیم که به پیروی از حافظ به تظاهرات دین‌مدارانه دارد آنجا که دین دستمایه مقاصد سیاسی می‌شود، به سخت‌گیری‌های مفرط در اجرای آیین‌ها و مراسم می‌انجامد. این نگرش در سطح اجتماعی برای واداشتن و یا باز داشتن از امری دینی به شکلی تعصب‌آلود و مقلدانه و غیرعقلانی صورت می‌گیرد و زمینه ظهور و گسترش عقاید خرافی را فراهم می‌آورد. در شعر او علیرغم بسامد بالا به آیین‌ها و مراسم دینی، مضامین انتقادی فراوانی بر شرایط دینی حاکم بیان می‌شود به عنوان مثال به طور تقریبی در ۱۷ بیت از شعراوبه مضامین روزه‌داری در ماه رمضان و آیین‌های پیرامون آن می‌پردازد اما در ابیاتی از او می‌شنویم:

زنده می‌سوزد برای مرده در هندوستان دل نمی‌سوزد در این کشور به هم احباب را
(۶/۱۳)

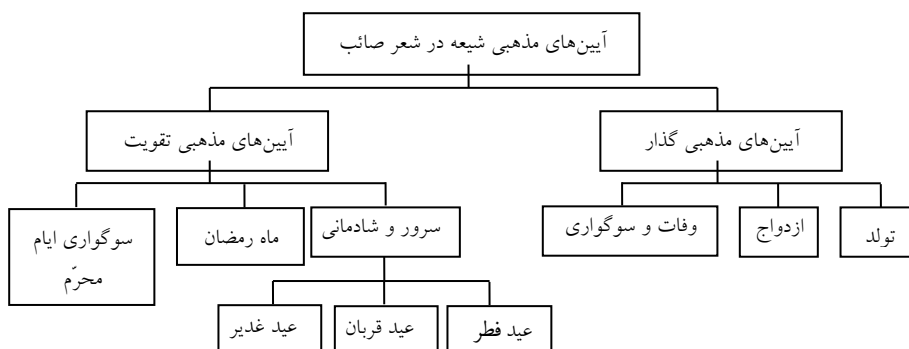
طاعت زهاد را می‌بود اگر کیفیتی مهر می‌زد بر دهن خمیازه محراب را
(۷/۱۳)

و

زاهد نیم به مهره گل مشورت کنم تسبیح استخاره من عقده‌ی دلی است
(۴/۱۹۱۱)

بررسی شعر صائب از این بعد یعنی جریان تناقضی بین صورت و محتوا می‌تواند موضوع مقالات بعدی باشد که به شناخت بهتر شاعر و اوضاع و شرایط اجتماعی او بیانجامد.

دسته‌بندی ارائه شده در نمودار زیر خلاصه شده است:



نتیجه‌گیری

صفویه توانست از طریق رسمی کردن مذهب شیعه و کارکرد باورهای شیعی در ایجاد وفاق اجتماعی، روح همبستگی را در میان مردم ایران تقویت کند و از آن‌ها ملتی دوباره بسازد. در این عصر مذهب تشیع بر تمام زمینه‌های زندگی ایرانیان سایه گسترده بود و رفتارهای فردی و اجتماعی شیعیان و آداب دینی و مذهبی تحت تأثیر آموزه‌های دینی به ویژه شیعی قرار گرفته بود. اهتمام به تعظیم شعائر شیعی، برپایی عزاداری محرم و عاشورا، احترام به اهل بیت (ع) و سادات و ... همه با تأثیرپذیری از مذهب تشیع بود که ضمن تأثیر مستقیم بر زندگی اجتماعی شیعیان عصر صائب، موجب تمایز آنان از دیگر پیروان مذهب‌های اسلامی نیز شد. صائب در چنین جامعه‌ای رشد کرده و اصول و عقاید شیعی در آثارش کاملاً پیدا است. وی بدون شک شیعی امامی اثنا عشری و مردی کاملاً دیندار و مواظب فرائض و واجبات و معتقد اصول و مبادی بوده است و این اعتقاد و ایمان و عمل به ارکان آن در شعر وی مشاهده می‌شود. قصاید او در مدح امیرالمؤمنین، سیدالشهدا و امام رضا (ع) گواه این مطلب است. در شعر صائب به ترویج تشیع به عنوان تنها مذهب رسمی کشور و کوشش‌های پیگیری که شاهان صفوی برای تثبیت و تحکیم آن انجام می‌دادند، اشاره شده است. انتساب صفویان به سیادت و تقدس سیادت از موضوعات اشاره شده در قصاید اوست.

در عصر صفوی آئین‌های مذهبی گذار و تقویت با تمام جزئیات در سطح جامعه براساس همان فقه شیعه اثنی عشری جاری و ساری بود و صائب همانند یک مورخ و مردم‌شناس توانسته است آئین‌های مذکور را در اشعار خود ثبت و ضبط کند. برپایی آیین‌ها و مراسم شیعی، مانند جشن عید غدیر و عزاداری دهه محرم از مؤلفه‌های پررنگ و ابعاد مهم در زندگی اجتماعی شیعیان دوره صفوی بود.

آیین‌های مذهبی گذار، دوره‌های مختلفی از زندگی مردم شیعی مذهب عصر صائب، از تولد تا مرگ انسان را شامل می‌شد. به همین دلیل در این عصر برای هر یک از دوره‌های مختلف تولد، ازدواج و زناشویی و مرگ و خاکسپاری انسان، آیین‌های مخصوصی برپا می‌شد که اکثر آن‌ها زمینه در باورهای اجتماعی و ما بقی ریشه در آموزه‌های فقهی شیعیان عصر صائب داشت. آیین‌های مذهبی تقویت در مناسبت‌های مذهبی معین و مشخصی برگزار می‌شد و گسترش روزافزون داشت. گروهی از آیین‌ها در ردیف آیین‌های شادمانی و گروهی دیگر در زمره آیین‌های عزاداری و سوگواری قرار می‌گرفت. آیین‌های ماه رمضان گروه دیگری از آیین‌های

مذهبی تقویت بود که فرای آیین‌های سرور و سوگواری و در زمان ویژه‌ای برپا می‌شد. تأثیر ماه رمضان در شعر صائب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و نسبت به سایر آیین‌های مذهبی تقویت در دیوان صائب انعکاس بیشتری داشت. در مجموع آیین‌های مذهبی تقویت در این دوره بخشی با پشتوانه فقهی و بخشی نیز غیرفقهی لکن مذهبی برگزار می‌شد. اگر چه این آیین‌ها پشتوانه و ریشه مذهبی داشت، اما آرایه‌ها و زوایدی هم از سوی فرهنگ اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه به آن اضافه می‌شد و در نتیجه تعصبات مذهبی، در این آیین‌ها پررنگ‌تر می‌شد.

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

ابراهیمی، ابراهیم (۱۳۸۵) *آسیب‌شناسی آیین عزاداری*، تهران: علمی و فرهنگی.

اشرف‌زاده، رضا (۱۳۸۴) *بهار زنده‌دلان*، تهران: جامی.

انگلیبرت، کمپفر (۱۳۶۳) *سفرنامه کمپفر به ایران*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

براون، ادوارد (۱۳۶۹) *تاریخ ادبیات ایران از آغاز صفویه تا عصر حاضر*، ترجمه بهرام مقصدادی، مروارید.

بهاء‌الدین عاملی، محمدبن حسین (۱۴۲۹ ه. ق) *جامع عباسی*، تصحیح محققان دفتر انتشارات اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم.

بهار، محمد تقی (۱۳۷۳) *سبک‌شناسی*، جلد ۳، تهران: امیرکبیر.

بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۷) *التفهیم*، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: هما.

اسکندر بیک ترکمان (۱۳۸۲) *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تصحیح ایرج افشار، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.

جعفریان، رسول (۱۳۷۹) *صفویه در عرصه دین، فرهنگ سیاست*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

جعفریان، رسول (۱۳۸۸) *تاریخ تشیع در ایران*، چاپ سوم، تهران: علم.

جعفری، علی‌اکبر (۱۳۸۰) *اصفهان دنیای هزار و یکشب صفویان*، مجموعه مقالات همایش

اصفهان و صفویه، به اهتمام مرتضی دهقان‌نژاد، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۸۰) *تاریخ حبیب‌السیر*، با مقدمه جلال‌الدین همایی، چاپ چهارم، تهران: خیام.

داتیس بتیس و فردبلاگ (۱۳۷۵) *انسان‌شناسی فرهنگی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

دریاگشت، رسول (۱۳۷۱) *صائب و سبک هندی*، تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد.

دورکیم، امیل (۱۳۸۳) *صورت بنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.

سانسون (۱۳۷۷) *سفرنامه سانسون*، با ترجمه محمد مهریار، اصفهان: انتشارات گل‌ها.

سیالکوتی (۱۳۸۰) *مصطلحات الشعرا*، به کوشش سیروس شمیسا، تهران: فردوس.

سیوری، راجر (۱۳۷۸) *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.

شاردن، ژان (۱۳۳۶) *سیاحت نامه*، ترجمه محمد عباسی، ج ۴، تهران: امیرکبیر.

شاردن، ژان (۱۳۷۲) *سفرنامه*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: انتشارات توس.

شرلی، آنتونی (۱۳۸۷) *سفرنامه برادران شرلی*، ترجمه آوانس به کوشش علی دهباشی، تهران: نگاه.

صائب تبریزی، میرزا محمدعلی (۱۳۷۰-۱۳۶۶) *دیوان*، دوره ۶ جلدی، تصحیح محمد قهرمان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

صائب تبریزی، میرزا محمدعلی (۱۳۷۳) *کلیات*، با مقدمه امیری فیروزکوهی، تهران: انتشارات کتابفروشی خیام.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۱) *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد پنجم، تهران: فردوس.

صفاکیش، حمیدرضا (۱۳۹۰) *صغویان در گذرگاه تاریخ*، تهران: سخن.

کتیرایی، محمود (۱۳۷۸) *از خشت تا خشت*، تهران: مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

گلچین معانی، احمد (۱۳۸۱) *فرهنگ اشعار صائب*، دوره دو جلدی، تهران: امیرکبیر.

ماسه، هانری (۱۳۵۷) *معتقدات و آداب ایرانی*، ترجمه مهدی روشن ضمیر، تبریز: تاریخ و فرهنگ ایران.

ماسه، هانری (۱۳۸۷) *معتقدات و آداب ایرانی از عصر صفوی تا دوره پهلوی*، تهران: انتشارات شفیع.

مجلسی، محمدتقی (۱۴۱۴ ه.ق) *لوامع صاحبقرانی*، جلد ۶، قم: موسسه اسماعیلیان.

معین، محمد (۱۳۸۷) *فرهنگ معین*، تهران: امیرکبیر.

میرنیا، سیدعلی (۱۳۶۹) فرهنگ مردم، فولکلور ایران، تهران: نشر پارسا.
ناجی، محمدیوسف (۱۳۸۷) رساله در پادشاهی صفوی، به کوشش رسول جعفریان، تهران:
کتابخانه موزه.

مقالات

آسرایی، مریم؛ مهرکی، ایرج؛ دانشگر، آذر. (۱۴۰۰). مفاهیم و تفکرات شیعی در شعر صائب تبریزی. فصلنامه علمی پژوهش های اعتقادی-کلامی، ۱۱(۴۳)، ۷-۱۳.
doi:20.1001.1.98991735.1400.11.43.1.8

References

Books

The Holy Quran.

Ashrafzadeh, Reza (2005) *Spring of Living Hearts*, Tehran: Jami.

Bahar, Mohammad Taghi (1994) *Stylistics*, Volume 3, Tehran: Amirkabir

Bahauddin Ameli, Mohammad Ibn Hussein (2008) *Jame Abbasi*, edited by the researchers of the Office of Islamic Publications, Qom: Office of Islamic Publications of the Seminary of Qom.

Biruni, Abu Rihan (1988) *Understanding*, edited by Jalaluddin Homayi, Tehran: Homa.

Brown, Edward (1990) *History of Iranian Literature from the Beginning of Safavid to the Present Age*, translated by Bahram Meghdadi, Morvarid.

Chardin, Jean (1957) *Travelogue*, translated by Mohammad Abbasi, vol. 4, Tehran: Amirkabir.

Chardin, Jean (1993) *Safarnameh*, Translated by Iqbal Yaghmaei, Tehran: Toos Publications.

Daryagasht, Rasoul (1992) *Saeb and Indian style*, Central Library and Documentation Center.

Datis Betis and Fredblog (1996) *Cultural Anthropology*, translated by Mohsen Thalasi, Tehran: Scientific Publications.

Durkheim, Emil (2004) *The basic form of religious life*, translated by Baqer Parham, Tehran: Markaz Publishing.

Ebrahimi, Ebrahim (2006) *Pathology of mourning ritual*, Tehran: scientific and cultural.

Engelbert, Kempfer (1984) *Kempfer Travelogue to Iran*, translated by Kikavous Jahandari, Tehran: Kharazmi Publishing Company.

Eskandar Beyk Turkman (2003) *History of the Abbasid world*, edited by Iraj Afshar, third edition, Tehran: Amirkabir.

Golchin Maani, Ahmad (2002) *Culture of Saeb Poems of the two-volume period*, Tehran: Amirkabir.

Jafarian, Rasoul (2000) *Safavids in the field of religion, culture of politics*, Qom: Research Institute and University.

Jafarian, Rasoul (2009) *History of Shiism in Iran*, third edition, Tehran: Alam.

Jafari, Ali Akbar (2001) Isfahan, the world of the Safavid One Thousand and One Nights, *Proceedings of the Isfahan and Safavid Conference*, by Morteza Dehghannejad, Isfahan: Isfahan University Press.

Katiraei, Mahmoud (1999) *From Clay to Clay*, Tehran: Social Studies and Research.

Khandmir, Ghiasuddin (2001) *History of Habib Al-Sayer*, with introduction by Jalaluddin Homayi, fourth edition, Tehran: Khayyam.

Majlisi, Mohammad Taghi (1994) *Lavame Sahebqarani*, vol. 6, Qom: Ismailian Institute.

Maseh, Henry (1978) *Iranian Beliefs and Customs*, translated by Mehdi Roshanzamir, Tabriz: History and Culture of Iran.

Maseh, Henry (2008) *Iranian Beliefs and Customs from the Safavid Era to the Pahlavi Period*, Tehran: Shafiee Publications.

Mirnia, Seyed Ali (1990) *People's Culture, Iranian Folklore*, Tehran: Parsa Publishing.

Moein, Mohammad (2008) *Moein Culture*, Tehran: Amirkabir.

Naji, Mohammad Yousef (2008) *Treatise on the Safavid Kingdom*, by Rasoul Jafarian, Tehran: Museum Library.

Saeb Tabrizi, Mirza Mohammad Ali (1987-1991) *Divan*, 6 volumes, edited by Mohammad Ghahraman, Tehran: Scientific and Cultural Publications.

Saeb Tabrizi, Mirza Mohammad Ali (1994) *Generalities*, with an introduction by Amiri Firoozkoochi, Tehran: Khayyam Bookstore Publications.

Safa, Zabihullah (1992) *History of Literature in Iran*, Volume 5, Tehran: Ferdows.

Safakish, Hamidreza (2011) *Safavids in the passage of history*, Tehran: Sokhan.

Sanson (1998) *Sanson Travelogue*, translated by Mohammad Mehryar, Isfahan: Golha Publications.

Shirley, Anthony (2008) *Shirley Brothers Travelogue*, translated by Avans by Ali Dehbashi, Tehran: Negah.

Sialkouti (2001) *Terms of Poets*, by Cyrus Shamisa, Tehran: Ferdows.

Sivari, Roger (1999) *Safavid Iran*, translated by Kambiz Azizi, Tehran: Markaz Publishing.

Articles

Asraei, M; Mehraki, I; Daneshgar, A. (2021). Shiite Concepts and Thoughts in Saeb Tabrizi Poetry. *Scientific Quarterly of Doctrinal-Theological Research*, 11(43), 7-13. Dor:20.1001.1.98991735.1400.11.43.1.8

Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts
(Dehkhoda)

Volume 14, Number 52, Summer 2022, pp. 1-25

Date of receipt: 10/1/2020, Date of acceptance: 27/4/2020

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2022.1949359.2404](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1949359.2404)

۲۵

Study of Shia religions and the factors affecting its spread in the Safavid era based on the poetry of Saeb Tabrizi

Maryam Asraei¹, Dr. Iraj Mehraki², Dr. Azar Daneshgar³

Abstract

The Safavid government could establish an independent identity by formalizing the Shia religion and creating favorable social and cultural conditions in its territory. This identity played a significant role in the spread of Shiism and Shia religious rituals. The Safavid kings maintained the appearance of religion and performed religious ceremonies and rituals in order to legitimize their rule. Likewise, the people followed these rituals. During this period, the Shiites had the opportunity to hold Shia religious rituals freely and away from the opposition. These beliefs and rituals are well reflected in the poems of Saeb, the greatest poet of the Safavid era. Influenced by the Shia rituals and beliefs of his time, Saeb has devoted many verses to the subject of Shia religious rituals in the form of transition and reinforcement. In this research, which is written in a descriptive-analytical method, the reflection of several types of Shia religious rituals in the Safavid era in Saeb's poetry will be studied. Also, the reflection of Shia religious rituals divides into two groups of transitional rituals and reinforcement rituals according to the classification of religious rituals in cultural anthropology. The research findings show that the reflection of these religious rituals in Saeb's poetry is based on Shia teachings and beliefs influenced by Safavid religious policies and the social conditions of the people.

Keywords: Shia religious rituals, Transition and Strengthening, Saeb Tabrizi, Shiism, Safavid Era.



This work is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

¹ . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. maryamasraee1358@gmail.com

² . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. (Corresponding Author). I.Mehr41@gmail.com

³ . Assistant Professor of Persian Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. a.daneshgar2015@gmail.com